

کردهای ایزدی

جواد بخشی



تاریخ و حیات اجتماعی - فرهنگی کردهای ایزدی

نویسنده: دکتر عثمان یوسفی

مشخصات نشر: تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام، چاپ اول،

۱۳۹۱، ۲۷۷ صفحه

کتاب حاضر در شش بخش، شامل سیزده فصل، به صورت پژوهشی توصیفی از کردهای ایزدی به رشته‌ی تحریر درآمده است. نویسنده در مقدمه‌ی کتاب به نقد و بررسی پاره‌ای از منابع و مأخذ پرداخته است و برای شناسایی هرچه بیش‌تر کردهای ایزدی، بخش نخست را در سه فصل تحریر کرده است. فصل اول: کرد و کردستان، فصل دوم: ایلات و عشایر کرد، فصل سوم: آیین و نحله‌های اعتقادی در کردستان.

در فصل اول کتاب به تاریخ قوم کرد اشاره می‌کند. کردها از اقوام هند و اروپایی هستند. درباره‌ی ریشه‌ی تاریخی این قوم، اختلاف نظر بسیار است اما تاریخ‌نویسان به آریایی بودن کردها باور دارند. نویسنده در ادامه دو دیدگاه درباره‌ی ریشه‌ی تاریخی قوم کرد مطرح می‌کند.

نویسنده در فصل دوم، بعد از ذکر تاریخچه‌ی ایلات، به ترکیب و سازمان عشایر کرد اشاره می‌کند و مطلب را با تعریف ابن‌خلدون ادامه می‌دهد: «مردمی که معاش خودشان را از راه پرورش چارپایان ... به دست می‌آورند و ناچارند برای جستجوی چراگاه‌ها و آب در حال حرکت و بیابانگردی باشند، صحرائشین و ایل را می‌توان بر آن مردم اطلاق کرد». وی عصبیت (غرور قومی) را که حاصل پیوند نسبی یا پیوند خویشاوندی (صله رحم) با هم‌پیمانی (ولاء) و هم‌سوگندی (حلف) باشد عامل اصلی پیوند و همبستگی ایلی می‌داند. از این‌رو نزد عشایر، بر خلاف یکجانشینان، وابستگی به نسب بیش از وابستگی به محل، اهمیت دارد.

نویسنده در ادامه، عشایر مشهور کرد را در پنج دسته؛ کرمانج، لر، کلهر و گوران طبقه‌بندی می‌کند. در فصل آخر بخش اول به موضوع آیین‌ها و نحله‌های اعتقادی در کردستان می‌پردازد و اهمیت رابطه‌ی دین با سایر نهادهای اجتماعی را خاطر نشان می‌کند. در ادامه اشاره می‌کند که کردها، به عنوان یکی از ساکنان منطقه‌ی بین‌النهرین، با توجه به شرایط جغرافیایی محل سکونتشان، سیر تکاملی پرستش را پیموده‌اند. یعنی چنان‌چه روند پرستش در منطقه از چندگانه‌پرستی شروع و به یگانه‌پرستی ختم شده باشد، کردان در ابتدا چندگانه‌پرست بوده‌اند و بعدها با ظهور آیین‌ها و ادیان یکتاپرست در منطقه، با توجه به حوزه و قلمروی نفوذ هر یک، تابع دین‌ها و آیین‌های جدید شده‌اند. نویسنده در ادامه‌ی این فصل به معرفی مهم‌ترین ادیان و آیین‌های اعتقادی در میان کردان می‌پردازد؛ ادیانی چون یهودیت، مسیحیت و اسلام، و مکاتب و آیین‌هایی مانند زرتشتی، مانویت و مزدک. اما متن تفصیلی کتاب به بررسی آیین ایزدی اختصاص دارد.

آن، **عدی بن مسافر** را رهبر و پیشوای معنوی خویش برگزیدند. در ادامه‌ی این فصل، نویسنده به جانشینان **شیخ عدی** می‌پردازد و دیگر شیوخ معروف ایزدیه را نام می‌برد.

نویسنده در قسمت سوم این فصل، تاریخ ایزدیان را به‌ویژه در امپراتوری عثمانی بررسی کرده است. در این بخش به جایگاه کردان ایزدی در دستگاه حکومتی عثمانی‌ها اشاره می‌کند. عثمانی‌ها از یک سو، چون زندگی قبیله‌ای داشتند، همیشه در صدد بسط و گسترش قدرت خود در بُعد جغرافیایی بودند. از دیگر سو، چون تنها طبقه‌ی غازی و مبارز جهان اسلام بودند و جنگ و جهاد در مرزهای دارالاسلام با غیرمسلمانان، هم راه امرار معاش و تأمین زندگی آنان به شمار می‌آمد و هم ادای فریضه‌ی اسلامی جهاد در راه خدا، بنابراین به مناطق همسایه‌ی خود در جهات مختلف، حمله و لشکرکشی می‌کردند. با ظهور دولت صفویه در قرن دهم هجری و بر تخت نشستن **شاه اسماعیل صفوی**، رقابت سیاسی میان دو قدرت سیاسی و ناهمگن مذهبی بر سر منابع انسانی و طبیعی موجود در مرزهای دو طرف شدت گرفت.

عراق و به‌ویژه منطقه‌ی بین‌النهرین یکی از مطامع دو قدرت منطقه بود که در سال ۹۴۱ ق/ ۱۵۳۴ م به دست عثمانی‌ها افتاد. از طرفی، دولت صفویه نیز به ایزدی‌ها اهتمام و توجه ویژه‌ای داشت، زیرا آنان مردمانی مشهور به شجاعت و مردانگی بودند. درگیری‌های سیاسی - نظامی دو قدرت عثمانی و صفوی به دسته‌بندی و موضع‌گیری کردها انجامید. به طوری که برخی از کردهای سنی‌مذهب در جبهه‌ی عثمانی قرار گرفتند و برخی نیز طرفدار حکومت صفوی شدند. در این اثنا، کردهای ایزدی، که نه شیعی بودند و نه سنی، در مقابل هر دو قدرت، در ابتدا موضع بی‌طرفی اعلان کردند. اما به سبب تعصب شدید مذهبی صفویه و حملات **شاه اسماعیل** علیه ایزدیان در فاصله‌ی سال‌های ۹۱۶ و ۹۱۹ هجری، ایزدیان نیز مانند کردهای سنی جانب عثمانی را گرفتند. بعد از نبرد چالدران در سال ۹۲۰ ق/ ۱۵۱۴ م که به شکست دولت صفوی انجامید، دولت عثمانی با حمایت کردهای هم‌پیمان، بر مناطق سنجان و شیخان تسلط یافت و از آن روز، سنجان و مناطق ایزدی‌نشین جزو قلمرو و سیطره‌ی عثمانی محسوب شدند. بعد از آن، ترکان عثمانی با کردهای هم‌پیمان (اعم از ایزدی و سنی) قراردادی امضا کردند که به موجب آن دولت عثمانی خود را موظف نمود تا بعد از هر پیروزی که نصیب عثمانی و هم‌پیمانانش در جنگ با صفویه می‌شود اقطاعی را به کردها عطا کند. این امر که چندین بار با شکست صفویه به اجرا درآمد، باعث خشم هر چه بیش‌تر صفوی‌ها شد. قدرت و نفوذ ایزدیان در دولت عثمانی با حکومت محلی داسنی تبلور یافت. حکومت داسنی یکی از حکومت‌های محلی کردستان عراق به شمار می‌رفت که به صورت قبیله‌ای اداره می‌شد و مرکز رهبری آن در شیخان از توابع موصل قرار داشت. علاوه بر منطقه‌ی شیخان، بخش‌هایی از دهوک، مرج، عقره، تباری و طور عابدین نیز در قلمرو داسنی‌ها بود. هرچند عثمانی‌ها هرگز ایزدیه را به منزله‌ی یک آیین و مجموعه‌ی دینی به رسمیت نشناختند ولی در ابتدای حکومت آنان، ایزدیان فرصت را غنیمت شمردند و در سایه‌ی حمایت سیاسی عثمانی به بسط و گسترش کیان سیاسی خود و قدرت امارت داسنی پرداختند.

نویسنده در ادامه به بررسی تاریخ پر فراز و نشیب ایزدیان در عهد ترکان عثمانی پرداخته است و مهم‌ترین حوادث آن روزگاران را به صورت روزشمار ذکر می‌کند. در قسمت پایانی این فصل به بررسی ایزدیان در تاریخ معاصر

نویسنده بخش دوم کتاب را با عنوان «تاریخ ایزدیان» در سه فصل نگاشته است. عنوان فصل اول این بخش، پراکندگی جغرافیایی و جمعیت ایزدیان است که در آن، قلمروی ایزدیان را همان مناطق کردنشین می‌داند؛ یعنی بخش‌هایی از کشورهای عراق، ترکیه، ایران، سوریه، قفقاز، ارمنستان، گرجستان، و روسیه. به گفته‌ی نویسنده، اکثریت ایزدیان امروزه در استان‌های موصل و دهوک عراق ساکن هستند. اما جمعیت قابل ملاحظه‌ای از آنان، زندگی در روستاها را بر سکونت در شهرهای موصل و دهوک ترجیح می‌دهند. به گفته‌ی **نیبور** جهانگرد، ایزدیان از آن‌جا که نمی‌توانند مراسم و مجالس خود را آزادانه در شهرها برپا دارند، زندگی کردن در روستاها را که دور از دسترس مسلمانان است ترجیح می‌دهند. **نیبور** در سفرنامه‌ی خود نام ۳۷ روستا از توابع موصل را ذکر کرده که موطن و مسکن ایزدیان بوده است. نویسنده در فصل دوم این بخش، به بررسی دوره‌های تاریخی ایزدیان از آغاز تا امروز می‌پردازد. او یک دوره از تاریخ ایزدیان را مربوط به قبل از ظهور **شیخ عدی بن مسافر** می‌داند و اشاره می‌کند که این دوره‌ی تاریخی مهم‌ترین نقطه‌ی تاریخ پیروان ایزدی است. به نظر نویسنده، این دوره، فاصله‌ی زمانی زیادی را شامل می‌شود (از ورود اسلام به شمال بین‌النهرین تا ۵۵۷ هجری، سال وفات **شیخ عدی**). در هیچ منبع تاریخی، ملل و نحل و غیره، از ایزدیه نامی به میان نیامده است. البته نبود اسم و رسم آنان در تواریخ نمی‌تواند دلیلی قانع‌کننده برای نفی وجود تاریخی آن‌ها در دوره‌ی قبل از **شیخ عدی** باشد. به زعم نویسنده، ایزدیان مورد بحث ما در دورانی که فاقد رهبری منسجم و واحد بودند از انتساب خود به اسم و رسم خودداری کرده‌اند. ایزدی‌ها **شیخ عدی** را مؤسس و بنیانگذار آیین و مذهب ایزدیه نمی‌دانند، بلکه وی را مجدد و احیاگر این کیش می‌پندارند که این جای تأمل دارد.

نویسنده در قسمت دوم این تقسیم‌بندی به بررسی زندگانی و حیات فرهنگی - اجتماعی **شیخ عدی بن مسافر** می‌پردازد و تأثیر وی بر آیین ایزدیه و جایگاه **شیخ عدی** نزد ایزدیان را مورد بررسی علمی قرار می‌دهد. به گفته‌ی نویسنده، درباره‌ی اصل و نسب **شیخ عدی** مباحث اختلاف‌برانگیز در تاریخ ایزدیه بسیار است، چنان که بسیاری از نویسندگان معاصر در تلاش‌اند که با انتساب وی به عنصر عرب و خانواده‌ی بنی‌امیه، بر نظریه‌ی یزیدی بودن این نحله، به اعتبار پیروی از **یزید بن معاویه**، تأکید کنند. در ادامه، نویسنده از **ابن اثیر** یاد می‌کند که در آثار موثق و ارزنده‌ی خویش، ضمن بیان شرح حال و زندگانی **شیخ عدی**، هیچ اشاره‌ای به اموی و یا عرب بودن او نکرده است. و نیز **یاقوت حموی**، در شرح و توضیح روستای لیلش (لالش)، **شیخ عدی بن مسافر شافعی** را **شیخ** اکراد و پیشوای ایشان معرفی کرده و از اموی یا مروانی بودن **شیخ** مطلبی ذکر نکرده است. بنا بر قول مشهور، **شیخ عدی** پس از عزیمت به بغداد و همنشینی با **شیخ عبدالقادر گیلانی**، در مسیر عرفان و تصوف قرار گرفت. البته، وی در ایام جوانی نیز بسیار خلوت می‌کرد و کم‌تر با جماعت می‌آمیخت. پس از سال‌ها شاگردی و ملازمت **عبدالقادر گیلانی** و کسب پختگی لازم برای ارشاد مردم و به حکم ماهیت زهد و تصوف، راهی منطقه‌ی دوردست و خلوت لالش شد و در آن‌جا به ارشاد میردان و تدریس شریعت اسلام پرداخت. به زعم نویسنده، در این دوره بود که با ظهور **شیخ عدی** مردمانی که امروز ایزدیه نام دارند، به دور **شیخ** حلقه زدند و به جهت همخوانی باورهایشان با تصوف و مراتب و منازل

طی چهل سال حکومت جدید عراق تا زمان استقلال در سال ۱۹۵۸ م، اقلیت‌های دینی و به‌ویژه ایزدی‌ها، نه‌تنها به حقوق و مزایای شهروندی دست نیافتند بلکه مدام پذیرای «الطاف و عطایای» خانمان‌سوز و خون‌آلود نظامیان دولت جدید بودند

کرده‌های ایزدی

۱. تبعید بسیاری از ایزدی‌ها و اسکان اجباری آنان در مناطق مسلمان‌نشین، با هدف مسلمان کردن آن‌ها.
۲. منع آموزش و خواندن و نوشتن به زبان مادری - کردی - و اجباری کردن یادگیری عربی.
۳. خلع سلاح کامل ایزدی‌ها در شرایطی که کشاورزان و دامداران ایزدی برای حفظ جان و مال خود از دست‌درازی‌های همسایگان، نیاز مبرم به اسلحه داشتند.
۴. گماشتن افرادی به عنوان جاسوس که حرکات و سکنات ایزدی‌ها را تحت نظر داشته باشند.
۵. دستگیری و زندانی کردن تعداد زیادی از جوانان ایزدی به اتهام عضویت در احزاب سیاسی کرد، تمایل به احزاب مخالف و معارض دولت و یا عدم عضویت در حزب بعث.
۶. تحت فشار قرار دادن خانواده‌های ایزدی به منظور جدا کردن دختران و پسرانشان و تحویل آن‌ها به سربازان بعثی. اگر چنان‌چه آن فرزندان از دست بعثی‌ها فراری می‌شدند، خانواده‌های داغ‌دیده و درمانده، تاوان آن را با تحمل شکنجه و آزار و اذیت بعثی‌ها پرداخت می‌کردند.
- سیاست تبعید و کوچ اجباری ایزدی‌ها در دوران **صدام حسین** تا آخرین روزهای حضور بعثی‌ها در کردستان ادامه داشت.
- دکتر عثمان یوسفی** در فصل سوم از بخش دوم، به معرفی قبایل ایزدی می‌پردازد. وی اشاره می‌کند که اسامی این عشایر یا از اشخاص معروف قبیله گرفته شده و یا از مکان و محل سکونت آن‌ها، که طی دوره‌های مختلف تاریخی دچار تغییرات نیز شده است. در ادامه، اسامی قبایل ایزدی را از نسخه‌های خطی که در مرکز فرهنگی - اجتماعی ایزدی‌ها به شماره‌ی ۳۴ نگاه‌داری می‌شود و تاریخ آن به اواخر قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد، آورده است: شیخان، روبنشتیه، دنادیه، بلتینیه، رمان، حیسان، هویری، خالته (خالدی)، نافنده و ختاری.
- مهرداد ایزدی** نیز در کتاب *The Kurds* مهم‌ترین قبایل ایزدی را به شرح زیر نام می‌برد: آلیان، دنادی، بلد، داسنی یا داسناتی، داسیکان، دورکان، خالته، ماندیکان، ساموگا و ساشیلی.
- نویسنده در ادامه، با بهره‌گیری از منابع دیگر، به ذکر نام قبایل متفاوت و تقسیم‌بندی آن‌ها می‌پردازد و در پایان، مهم‌ترین قبایل ایزدی را که امروزه در صحنه‌ی سیاسی و فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی حضور فعال دارند نام می‌برد: شیخان، روبنشتیه، دنادیه، قایدیه، بلتینی، هکاری، هیرانی، داسنی، سلیمان، ریشکان، هویری، موسان، ختاره، خالدی، حیسان، باسکی، رمان

عراق، در عهد ملکی و دوران جمهوری پرداخته است. وی می‌نویسد: ظلم و ستم دولت عثمانی علیه ایزدی‌ها با برچیده شدن خلافت آنان در ۱۳۳۶ هجری و تقسیم امپراتوری عظیم عثمانی به چند کشور به پایان رسید، ولی این دوره نیز فصل جدیدی بود در تعامل حاکم عراق با شهروندان عراقی از جمله اقلیت‌های دینی و به‌ویژه ایزدی‌ها.

در سال ۱۳۳۹ هجری دولت عراق جدید تشکیل شد و **امیر فیصل بن حسین** حاکم آن‌جا گردید. اگرچه در قانون اساسی جدید عراق به اقلیت‌های دینی نیز توجه شده بود، ولی در عمل، به ایزدی‌ها همواره ستم می‌شد. طی چهل سال حکومت جدید عراق تا زمان استقلال در سال ۱۹۵۸ م، اقلیت‌های دینی و به‌ویژه ایزدی‌ها، نه‌تنها به حقوق و مزایای شهروندی دست نیافتند بلکه مدام پذیرای «الطاف و عطایای» خانمان‌سوز و خون‌آلود نظامیان دولت جدید بودند. این در حالی بود که اصل ۱۳ قانون اساسی بر حقوق و آزادی عمل اقلیت‌های دینی در برگزاری مراسم و آداب و رسوم خود تأکید کرده بود.

در دوران جمهوری، مردم عراق که از ظلم و ستم‌های دولت استعمارگر انگلستان و حاکمان دست‌نشانده‌ی آن به تنگ آمده بودند، با همدلی و همیاری همه‌ی اقوام و اقلیت‌های دینی توانستند در سال ۱۳۷۷ هجری خود را از چنگ حکومت شور و مزدور برهاند.

مردم کرد و به‌ویژه ایزدی‌ها، پا به پای هموطنان خود در راه تحقق چنین مهمی تلاش و مبارزه کردند. آنان که در کنار دیگر عراقی‌ها مبارزه می‌کردند، انتظارات، خواسته‌ها و چشم‌داشت‌هایی از حکومت و حاکمیت جدید داشتند. اما متأسفانه نه‌تنها هیچ یک از آن انتظارات برآورده نشد، بلکه از سال ۱۳۸۰ هجری که مبارزات جدی علیه حرکت‌ها و جریان‌های سیاسی کرد به صورت علنی و رسمی شروع شد، ایزدی‌ها نیز از آفت آن در امان نماندند. البته، بخشی از گرفتاری‌های ایزدی‌ها با سایر اقلیت‌ها مانند آشوری‌ها، مسیحی‌ها، کلدانی‌ها، صابئه و ترکمنان مشترک بود.

در این دوره **صدام** تصور می‌کرد:

۱. ایزدی‌ها از لحاظ نژادی کرد نیستند و در اصل از ریشه‌ی عربی هستند، پس باید دوباره به آغوش «حکومت عربی» بازگردند.
۲. ایشان فرقه‌ای از فرقه‌های جدا شده از اسلام بوده‌اند و در طول تاریخ دچار انحراف و بدعت شده‌اند. بنابراین، باید دوباره به آغوش اسلام - از نوع صدامی! - برگردند.

صدام حسین در راستای تحقق هدف مسلمان کردن ایزدی‌ها به اقدامات زیر دست بازید:

و نافذنه.

دکتر یوسفی بخش سوم را با عنوان اعتقادات ایزدیان در دو فصل با عناوین «مبانی و اصول اعتقادی» و «مقدسات ایزدیان» به رشته‌ی تحریر درآورده است. در فصل اول این بخش، موضوعاتی چون توحید، آفرینش و خلقت جهان هستی، فرشتگان و ملائکه در باورهای ایزدی، انبیا و پیامبران، خیر و شر، تناسخ ارواح و دیگر باورهای ایزدیان را بررسی می‌کند.

در فصل دوم این بخش، به مهم‌ترین مقدسات ایزدیان، یعنی ملک طاووس، کتب مقدس و اماکن مقدسه می‌پردازد. نویسنده سعی می‌کند با طرح سؤالاتی راجع به ملک طاووس، ضمن پرداختن به معنای آن نزد ایزدیان، به موارد اختلاف این مفهوم اشاره کند و اشکال تحریف‌شده‌ی آن را روشن سازد. این که ملک طاووس چیست و یا کیست؟ آیا مسأله ماهیت و ظاهر ملک طاووس است؟ از ظاهر اصطلاح، معنا و مفهوم فرشته بودن از آن استنباط می‌شود. در مورد واژه‌ی طاووس آرا و نظرات مورخان و پژوهشگران پراکنده و متفاوت است. برخی عقیده دارند که واژه‌ی طاووس شکل تحریف‌شده‌ی اصل یونانی «تیوس»، به معنای خدا بوده، و ایزدیان، آن را نامی برای الهه‌ی خود برگزیده‌اند. گروهی از پژوهشگران می‌گویند: «واژه‌ی طاووس برگرفته شده و شکل تحریف‌شده‌ی «تموز» بزرگ‌ترین و مشهورترین الهه‌ی تمدن‌های شرق است که از زمان سومری‌ها عبادت و پرستش آن در بین‌النهرین باب بوده است». بعضی هم آن را یک واژه‌ی عربی دانسته‌اند، و آن را به داستان فریب آدم توسط شیطان ربط داده‌اند. بنا بر نظر اخیر، مار سیاه‌رنگی که خود را زیر پر و بال طاووس مخفی کرده و وارد بهشت شده بود، آدم را فریب داده است. بعد از بیرون رانده شدن آدم از بهشت، طاووس به همراه مار سیاه در آنجا ماندگار شدند. این نظر، هم‌چنین ملک طاووس را همان شیطان یا ابلیس می‌پندارد و سعی دارد ایزدیان را شیطان‌پرست بشمارد. به هر حال، ملک طاووس رمزی دینی در آیین ایزدیه و یکی از مقدس‌ترین مقدسات آن به شمار می‌رود. آنان معتقدند که خدای متعال، ملک طاووس را قبل از همه‌ی کائنات آفرید و او را مسؤول اداره‌ی امور جهان هستی قرار داد. ایزدیان ملک طاووس را پل ارتباطی بنی‌بشر با خدا می‌دانند که در دوره‌های مختلف زمانی نزول می‌کند و با صالحان و نیکان ارتباط برقرار می‌کند. آنان او را «پیر کار»، یعنی فرشته‌ی خدمتگزار، که شبانه‌روز و به صورت مستمر مشغول خدمت و عبادت خداست، می‌نامند. در ادامه‌ی این فصل، نویسنده به ذکر کتب مقدس ایزدیان و اماکن مقدس آن‌ها می‌پردازد، و دو کتاب مقدس ایزدیان، به نام الجلوه الارباب الخلوه و مصحف رش را معرفی می‌کند و مهم‌ترین چاپ‌های موجود این دو کتاب

را ذکر می‌کند.

هم‌چنین نویسنده به بیان مقدمه‌ای درباره‌ی تقدس بخشیدن بشر به طبیعت و مظاهر آن می‌پردازد. در بسیاری موارد، کائنات عامل ترس و وحشت انسان بوده است. این ترس و وحشت آدمی از کائنات، ناشی از نیرو و قدرتی است که خداوند در موجودات به ودیعه نهاده است. مثلا غرش ابر و رعد و برق و صدای مهیب آن، طوفان و بادهای شدید، تاریکی شب و ... بشریت برای هر آن‌چه از آن می‌ترسید و یا از هویت و ماهیت آن بی‌خبر بود، و یا این که نیروی غیر قابل ادراکی را در آن مشاهده می‌کرد سر تعظیم فرود می‌آورد و قائل به نوعی الوهیت برای آن می‌شد. نویسنده با ذکر این مقدمات می‌گوید که نحله‌ی مورد بحث در این کتاب از این بحث مستثنی نیست، بلکه در آیین آنان با شدت و حدت ویژه‌ای به مظاهر طبیعت توجه شده است. شاید یکی از حقایق نهفته‌ی ایزدیان که تا کنون کم‌تر کسی از پژوهشگران به آن توجه کرده، قداست و جایگاه «معنوی» مکان است. مکان در آیین ایزدیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و ممکن است این قداست، رمز و رازی باشد برای کشف مبانی عقیدتی ایزدیان. نویسنده مقدس‌ترین مکان در جهان هستی را نزد ایزدیان وادی «لالش» معرفی می‌کند و باورهای ایزدیان را درباره‌ی لالش مطرح می‌کند.

نویسنده، بخش چهارم را که در واقع بخش پایانی کتاب است، به موضوع عبادات، اعیاد و آداب و رسوم ایزدیان اختصاص داده است. در فصل اول این بخش، با استمداد از مشاهدات عینی و یافته‌های میدانی، و با تکیه بر منابع دست‌اول تاریخ ایزدیان، گوشه‌هایی از عبادات آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. درباره‌ی نماز ایزدیان می‌گوید: «فرد ایزدی نماز خود را رو به خورشید - که از نگاه آنان منشاء خیر و موهبتی الهی و نیز نور آفریدگار به شمار می‌آید و شایسته ستایش و تقدیس است - اداء می‌کند. در مورد وعده‌هایی‌هایی که بر ایزدی واجب است نماز بخواند، اختلاف نظر وجود دارد. بیش‌تر منابع از سه نوبت نماز خواندن ایزدیان سخن گفته‌اند در حالی که خود ایزدی‌ها از اقامه‌ی نماز در پنج وعده از روز خبر می‌دهند». در ادامه، به بیان شرایط نماز گزاردن، چگونگی و کیفیت ادای نماز، ارکان نماز و متن و ترجمه‌ی نماز صبح و مغرب ایزدیان می‌پردازد. درباره‌ی روزه‌ی ایزدی می‌گوید: «ایزدیان روزه‌های مختلف دارند. در ایام و مناسبت‌های خاص روزه می‌گیرند. شرایط صحت روزه تقریباً با آن‌چه در اسلام آمده است یکی است. شرایط وجوب روزه، نیت، بلوغ، عقل و سلامت جسم است. روزه ایزدی بر همگان حتی بر مسافر هم واجب است». در ادامه به شرح و بیان حج ایزدیان و احکام زکات و حلال و حرام می‌پردازد.

یکی از حقایق نهفته‌ی ایزدیان که تا کنون کم‌تر کسی از پژوهشگران به آن توجه کرده، قداست و جایگاه «معنوی» مکان است. مکان در آیین ایزدیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و ممکن است این قداست، رمز و رازی باشد برای کشف مبانی عقیدتی ایزدیان

کردهای ایزدی

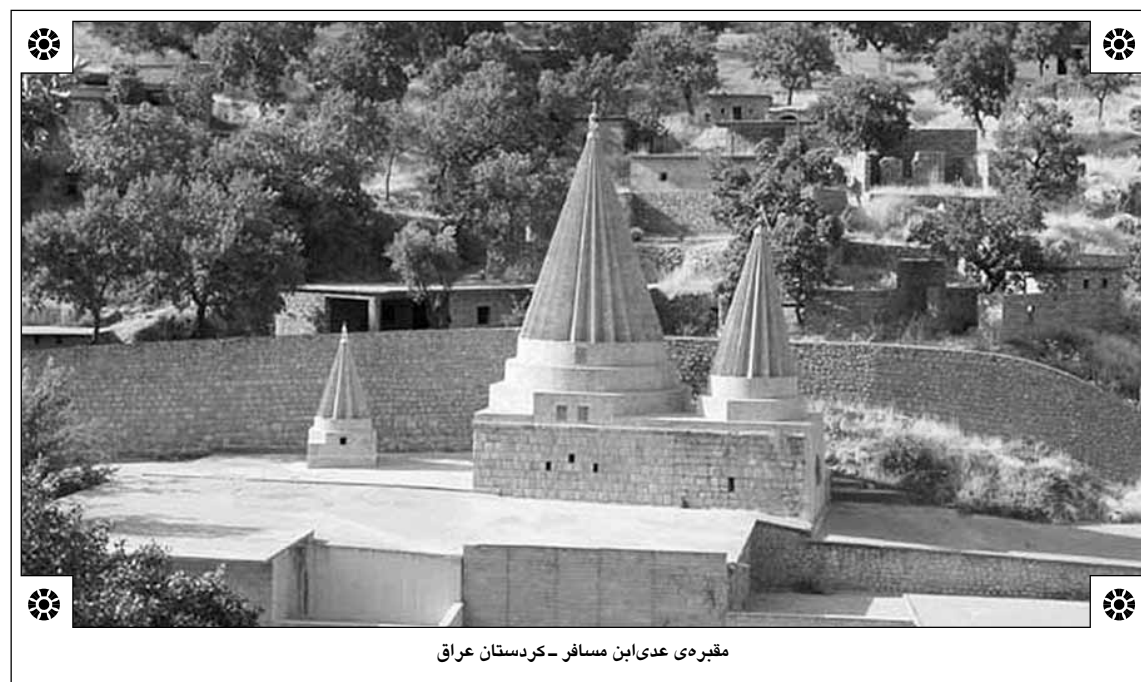
جامعه‌ی ایزدیان، جامعه‌ای بسته است. بدین معنا که هیچ گونه ارتباط و پیوند خویشاوندی و اجتماعی با پیروان دیگر ادیان و نحله‌های فکری ندارند

اختلاط با دیگران و نیز برقراری ارتباط تنگاتنگ آداب و رسوم اجتماعی با اندیشه‌های دینی توانسته‌اند کهن‌ترین و کامل‌ترین شعائر قومی و ملی خود را حفظ کرده و از گزند انحطاط فرهنگی برهانند». نویسنده در ادامه با تکیه بر منابع موجود، مشاهدات عینی و اطلاعات ذهنی، به تشریح و توضیح بعضی شعائر ایزدیان می‌پردازد که در این جا به طور خلاصه به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. **نهاد خانواده.** خانواده‌ی ایزدی مرکب است از پدر، مادر و فرزندان. گاهی به این جمعیت ثابت، پدربزرگ و مادربزرگ، خویشانی چون عمه و عمو، برادر و خواهر و اعضای دورتر خانواده نیز افزوده می‌شود. خانواده‌ی ایزدی از نظام پدرسالاری پیروی می‌کند و پدر، سلطه‌ی مطلق دارد. پدر ایزدی بر تمام اعمال افراد خانواده ناظر است و مناسبات و روابط میان خانواده و جامعه را تنظیم می‌کند. خانواده‌ی ایزدی مرکز فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی نیز هست و بیش‌تر فعالیت‌های مذکور در این کانون و نهاد مدنی کوچک متمرکز است؛ یعنی کم‌تر رخ می‌دهد که خانواده‌ی ایزدی در فعالیت‌های اقتصادی همگانی و گروهی شرکت کند. فرهنگ خانواده‌های ایزدی به

نویسنده فصل دوم این بخش را به بیان اعیاد و مناسبت‌های دینی ایزدیان اختصاص داده است. روزهای هفته‌ی ایزدی‌ها با روز یکشنبه شروع می‌شود و با شنبه پایان می‌یابد و روز چهارشنبه به جهت هبوط ملک طاووس در آن روز از قداست خاصی برخوردار است که روز تعطیل رسمی ایزدیان تعیین شده است. قسمتی از اعیاد و مناسبت‌های ایزدیان دینی است و بخشی هم ملی و اجتماعی است. در همه‌ی این مراسم، روحیات قبیله‌گری، چشم‌گیر است. در اعیاد ایزدی می‌توان ریشه‌های زرتشتی، مسیحی و اسلامی یافت که بعدها با افکار و تعالیم ایزدی در هم آمیخته و به شکل امروزی درآمده‌اند. نویسنده در ادامه هر یک از اعیاد ایزدیان را به تفصیل شرح می‌دهد که در این جا به ذکر نام آن‌ها اکتفا می‌کنیم: عید سال نو (سرسال)، عید جماعت، عید ایزد، عید العجود، عید خضر الیاس، عید بلند و اعیاد چله‌ی تابستانه و زمستانه.

در فصل سوم بخش پایانی کتاب، نویسنده به آداب و رسوم فرهنگی - اجتماعی ایزدیان می‌پردازد. وی می‌گوید: «جامعه‌ی ایزدیان، جامعه‌ای بسته است، بدین معنا که هیچ گونه ارتباط و پیوند خویشاوندی و اجتماعی با پیروان دیگر ادیان و نحله‌های فکری ندارند. بنابراین، با استمداد از عدم



مقبره‌ی عدی‌ابن مسافر - کردستان عراق

اوضاع اقتصادی جامعه‌ی ایزدیان، کمابیش با دیگر مناطق کردنشین یکسان است و معیشت آنان مانند سایر مردمان منطقه از راه‌های کشاورزی، دامپروری و تجارت و بازرگانی در مرزهای موجود تأمین می‌شود

کردهای ایزدی

در ید اختیار پدر است، چنین تعدی‌ها و ستم‌هایی بر زن غیرمنتظره نیست. در ادامه، نویسنده تمام مراحل یک ازدواج ایزدی را شرح می‌دهد و حقوق متقابل زن و مرد ایزدی را بیان می‌کند.

۵. **مرگ و احکام و آداب آن.** ایزدیان به تناسخ ارواح معتقدند و بر این باورند که مرگ، مسافرت روح از جسمی به جسمی دیگر است. ایزدیان برای مرگ اصطلاح «تقصص» یعنی «پیراهن عوض کردن» را به کار می‌برند. چون باور دارند روح، فناپذیر و جاودانی است و با فنای جسمانی انسان از بین نمی‌رود. ایزدی‌ها مانند بسیاری از مردمان منطقه، مراسم چهل‌م، سالگرد و نظایر آن برای مرده به پا می‌کنند و طی آن قربانی می‌کنند. در طول سال نیز به مناسبت اعیاد ایزدی، شام و نهار و نذورات مختلف می‌دهند.

نویسنده در فصل چهارم بخش پایانی کتاب، به بررسی طبقات اجتماعی - دینی ایزدیان می‌پردازد. در یک تقسیم‌بندی کلی، طبقات اجتماعی را به دو دسته‌ی امیر و پسمیر، و طبقات دینی را به شش دسته‌ی زیر طبقه‌بندی می‌کند: ۱. بابا شیخ، ۲. شیخ، ۳. بابا فقیر، ۴. قوال، ۵. کوچک، ۶. مرید.

دکتر عثمان یوسفی فصل پایانی کتاب را به بیان اوضاع اقتصادی ایزدیان اختصاص داده است. مطالب این فصل، بیش‌تر متکی بر داده‌هایی است که از سالنامه‌های ولایت موصل در عهد عثمانی، سفرنامه‌های جهانگردان و سیاحان غربی، و برخی اسناد و مدارک امرای ایزدی - مشتمل بر گزارش‌هایی از وضع اقتصادی، درآمدها و مالیات‌های این منطقه در دوره‌های زمانی مختلف - استخراج شده است.

اوضاع اقتصادی جامعه‌ی ایزدیان، کمابیش با دیگر مناطق کردنشین یکسان است و معیشت آنان مانند سایر مردمان منطقه از راه‌های کشاورزی، دامپروری و تجارت و بازرگانی در مرزهای موجود تأمین می‌شود. در بررسی اوضاع اقتصادی مناطق ایزدی‌نشین، باید به دو حوزه‌ی مهم و پررونق استقرار آنان، یعنی شیخان و جبل سنجار، اشاره کرد. هرچند که فعالیت‌های اقتصادی ایزدیان تنها در دو بخش کشاورزی و دامپروری است، ولی از حیث نوع محصولات کشاورزی و گونه‌های دامی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. منطقه‌ی جبل سنجار به کثرت قنات‌های بزرگ و باستانی نیز شهرت دارد که در سالنامه‌ی موصل به آن اشاره شده است. چنین ویژگی‌های طبیعی و فراوانی منابع خدادادی، این سرزمین را به قطب اقتصاد کشاورزی و دامی تبدیل کرده است.

در قسمت پیوست کتاب، بخش‌هایی از کتب مقدس ایزدیان به نام مصحف رش و الجلوه و نقشه‌ها و تصاویری از شهرهای ایزدی‌نشین ضمیمه شده است.

گونه‌ای است که به هیچ وجه از افزایش جمعیت جلوگیری نمی‌شود، چراکه هر چه جمعیتش بیش‌تر باشد، در سطح جامعه‌ی قبیله‌محور از جایگاه و منزلت والائتری برخوردار خواهد بود. در بسیاری از موارد، تعداد افراد خانواده ملاک برتری و برخوردارگی از حق و امتیاز است.

۲. **ولادت، غسل تعمید و ختنه‌کنان نوزاد.** سخن گفتن از چنین آداب و رسوم نزد ایزدیان از آن جهت حائز اهمیت است که از قداست دینی برخوردارند و رجال و مردان دینی در اجرا و انجام آن‌ها نقش ایفا می‌کنند. هنگامی که نوزادی ایزدی دیده به جهان می‌گشاید، بر والدین فرزند، وظایف اجتماعی و دینی جدیدی مترتب خواهد شد. یکی از واجبات، غسل تعمید و شست‌وشوی طفل در آب عین‌البیضاء - چشمه‌ی مقدس ایزدیان - است. طبق آیین، این عمل باید در روز هفتم ولادت انجام گیرد، ولی اگر بنا به دلایلی انجام آن دشوار باشد، تأخیر و به تعویق انداختن آن تا زمان مناسب‌تر بلامانع است. آخرین کاری که پدر و مادر طفل باید در این دوره‌ی سنی در حق فرزند خود انجام دهند ختنه کردن اوست. این سنت دیرینه در فاصله‌ی سنین سه تا هفت‌سالگی بچه انجام می‌گیرد.

۳. **برادرگزینی.** یکی از عادات و آداب دینی ایزدیان، انتخاب خواهر و برادر دینی است. هر ایزدی که به سن قانونی (سن تکلیف) رسیده باشد، باید با یکی از افراد بزرگ‌تر پیمان برادری منعقد کند. خواهر و برادر دینی معمولاً از میان خویشان و نزدیکان انتخاب می‌شود. در باور ایزدیان برادر و خواهر دینی یا اخروی، حافظ و پاسدار جان و مال برادر خود به حساب می‌آید و بر او واجب است هرگونه کمک و مساعدتی را به او روا دارد. در واقع، برادر دینی در آیین ایزدی و کیل مدافع فرد در دنیا و آخرت خواهد بود. یعنی هنگام رستخیز و حساب‌رسی قیامت، برادر دینی که شاهد و ناظر دنیوی اعمال فرد ایزدی بوده است از وی دفاع خواهد کرد و محاسبه‌ی فرد با حضور شیخ و پیر، و برادر و خواهر دینی صورت می‌گیرد.

۴. **ازدواج و جایگاه زن در جامعه‌ی ایزدی.** ازدواج در میان ایزدی‌ها پدیده‌ای دینی است، یعنی با نگاه و نگرش دینی به آن می‌نگرند. ازدواج در بین ایشان طبقاتی است و هر کس باید متناسب با طبقه‌ی دینی - اجتماعی خود همسرش را انتخاب کند. زن ایزدی در انتخاب شوهر و شریک زندگی خود از هر گونه حق و اختیاری بی‌بهره است. کم‌تر پیش می‌آید که پدر به انتخاب دخترش احترام بگذارد و او را طبق میل و علاقه‌اش به عقد کسی درآورد. بعد از فوت شوهر، اگر زن بخواهد دوباره ازدواج کند باید با رضایت ولی (پدرش) تن به چنین کاری دهد. در مجموع، چون نظام روابط در جامعه‌ی ایزدیان تابع ویژگی‌های نظام قبیله‌محور است و قدرت و سلطه‌ی مطلق بر خانواده